

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست احزاب کارگری و کمونیستی منطقه

● قطعنامه ویژه نشست در همبستگی با مبارزات مردم و کارگران ایران - در ص ۲

اجلاس نشدند. دستور کار اجلاس بر اساس تصمیم های نشست قبلی احزاب منطقه و تبادل نظرهای دوجانبه و چند جانبه آنان در چند ماهه گذشته بحث و تصمیم گیری در مورد مسایل زیر بود:
الف: ارزیابی آخرین تحولات بین المللی به ویژه در ارتباط با رخدادهای کشورهای منطقه و وظایف احزاب کمونیست در این رابطه;

ب: تقویت مکانیزم تبادل و انتشار اطلاعات در مورد فعالیت احزاب و نیز جنبش همبستگی.

نمایندگان احزاب شرکت کننده با ارائه گزارش تازه ترین تحولات کشورهای خود و توضیح ارتباط منطقی آن با اوضاع منطقه، زمینه بسیار مساعدی جهت بحث در مورد عمل مشترک

ادامه در ص ۸

در تدارک نبردهای سرنوشت ساز در منطقه

اجلاس نوبتی احزاب کمونیست و کارگری کشورهای منطقه شرق و جنوب مدیترانه، خلیج فارس و دریای سرخ که در آن نمایندگان حزب کمونیست مصر، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست عراق، حزب توده ایران، حزب کمونیست اسرائیل، حزب زحمتکشان مترقی قبرس (آکل)، حزب مردم فلسطین، هر دو حزب کمونیست سوریه و حزب کمونیست یونان شرکت داشتند در روزهای ۲ و ۳ فروردین جاری در آتن پایتخت یونان برگزار شد. هیات های نمایندگی حزب کمونیست سودان و جبهه آزادیبخش بحرین که آمادگی خود را برای شرکت در این اجلاس اعلام کرده بودند به دلیل مشکلات ویزایی قادر به حضور و شرکت در



شماره ۵۰۳، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۱۹ فروردین ۱۳۷۶

کارزار جهانی همبستگی با کارگران صنعت نفت

تظاهرات اعتراض آمیز کارگران قهرمان و بیکارجوی صنعت نفت در ۲۷ بهمن ماه در تهران و اقدامات سرکوبگرانه رژیم در حمله به کارگران معترض و دستگیری صدها تن از آنان، به موجب از اقدامات همبستگی ترقی خواهان و نیروهای دموکرات و حامیان حقوق دموکراتیک مردم ایران در اکثر کشورهای جهان دامن زد.

در پاسخ به اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در رابطه با اقدام اعتراضی کارگران بالایشگاه نفت تهران و دستگیری نمایندگان کارگران، اعضاء و هواداران حزب در کشورهای مختلف اروپا فعالیت های متنوعی را جهت اطلاع محافل ترقی خواه و دموکراتیک این کشورها و بسیج اقدامات اعتراضی و اعمال فشار بر ارگان های دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی و از جمله

ادامه در ص ۲

**گزارش هیأت اجرایی
کمیته مرکزی حزب
توده ایران به ششمین
پلنوم کمیته مرکزی
(بخش دوم)
در صفحات ۷، ۶، ۵، ۴**

«بحران ژرف در صنعت نفت ایران»

افزایش ذخایر ارزی و پیش بینی افزایش درآمدهای نفتی درسال آینده، این اطمینان را به مامی دهد که قیمت ارز ثبات خودش را حفظ خواهد کرد... در بودجه کل کشور برای سال ۱۳۷۶، ۴۱ درصد درآمدهای دولت متعلق به سهم نفت و گاز ارزیابی شده است که رقمی است غیرواقعی و صرفاً جنبه تبلیغی دارد. بررسی علمی و واقع بینانه بودجه ثابت می کند سهم واقعی نفت و گاز درآمدهای دولت بیش از ۶۰ درصد است. این واقعیتی است که حتی برخی محافل درون و بیرون حاکمیت به آن اعتراف می کنند روزنامه همشهری مدتی پیش در این باره خاطر نشان کرد: «اگر سهم درآمدهای نفتی در بودجه سال ۱۳۷۶ تماماً به نرخ ۳۰۰۰ ریال محاسبه شوند سهم درآمد نفتی دولت از ۴۱ درصد به ۵۵ درصد خواهد رسید، زیرا این نرخ اکنون ۱۷۵۰ ریال در لایحه محاسبه شده است. همین نرخ اگر به ۴۰۰۰ ریال افزایش یابد، آنگاه جمعا ۶۲ درصد از کل درآمدهای دولت را صادرات نفت خام تشکیل خواهد داد...» علاوه بر اینها، رژیم «ولایت فقیه» در نظر دارد بخششی از درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و فرآوردهای نفتی را برای بازپرداخت بدهی های خارجی منظور کند.

کیهان هوانی، ۱۷ آذرماه ۱۳۷۵، از قول حمید میرزاده معاون رفسنجانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه گزارش داد که «۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار درآمد ارزی ایران که از طریق فروش فرآورده های نفتی به دست خواهد آمد به پرداخت بدهی های خارجی اختصاص خواهد یافت».

باتوجه به این سخنان و اهداف تعیین شده از سوی گردانندگان رژیم، روشن است که بحران در صنعت نفت تا چه میزان اثر ژرف و فراگیر بر تامین منابع مالی دولت و بطور کلی اقتصاد کشور باقی خواهد گذاشت!

همانطور که اشاره رفت، محسن یحیوی معاون رئیس کمیسیون نفت مجلس شورای اسلامی در مورد ضعف و بحران در صنعت نفت هشدار داده است. وی در مصاحبه ای با روزنامه ابرار چاپ تهران از جمله یادآور شد: «به رغم تلاش گسترده وزارت نفت، شرکتهای خارجی تمایل زیادی به مشارکت در بهره برداری از پروژه های نفت ایران نشان نمیدهند...» او همچنین تاکید کرد که تحریم ثانویه

ادامه در ص ۳

اعتصاب پیروزمند بیش از دوهزار کارگر نفت به نمایندگی از سوی ده ها هزار تن از کارکنان صنعت نفت ایران، سرکوب و عقب نشینی رژیم در مقابل خطر اعتصاب عمومی در صنایع نفت و سفر عجولانه «ولی فقیه» به استان خوزستان، حاکی از نگران های شدید رژیم پیرامون تحولات ماه های اخیر در صنعت نفت ایران است. صنعت نفت ایران اکنون مدتتها است بحران شدیدی را از سر می گذراند که ریشه یابی آن محتاج بررسی سیاست هایی است که رژیم «ولایت فقیه» در سال های اخیر در این عرصه به پیش برده است. عدم برنامه ریزی صحیح برای نوسازی صنایع نفت کشور از طریق به کارگیری تکنولوژی مدرن و به همین علت پایین بودن بازدهی کار، بحران سرمایه گذاری و ضعف مدیریت، از جمله مسائلی است که زمینه ساز بحران کنونی بوده است.

محسن یحیوی، از چهره های پرنفوذ باند حجتیه - رسالت و عضو هیات مدیره شرکت ملی نفت - ایران که سمت معاونت کمیسیون نفت مجلس شورای اسلامی را نیز برعهده دارد، طی سخنانی که در رسانه های داخلی و خارجی بازتاب گسترده ای داشت، بر وجود بحران مزمن در صنایع نفت و گاز و تنگناهای بزرگ در امر سرمایه گذاری به منظور اکتشاف - استخراج و تولید صحره گذارد و بر آن تاکید نمود.

این نخستین بار نیست که یکی از مقامات جمهوری اسلامی از ابعاد نگران کننده بحران در این زمینه سخن می گوید، گرچه رژیم در تبلیغات رسمی خود همواره کوشید که هر مشکل و بحرانی بویژه در زمینه نفت و گاز که ستون فقرات درآمدهای و بنیاد اقتصادی کشور را تشکیل می دهد، کم اهمیت جلوه کند. اما بحران کنونی واقعیتی است که به سادگی نمی توان آنرا لاپوشانی و انکار کرد.

جمهوری اسلامی در تدوین و تنظیم بودجه کل کشور، برخلاف ادعای دروغین سران آن، به میزان زیادی به درآمد حاصل از صدور نفت و گاز متکی می باشد، این اتکاء به آن حد است که محسن نور بخش رئیس کل بانک مرکزی، افزایش درآمدهای نفتی در سال ۱۳۷۶ را تکیه گاه و افزار مطمئن برای ثبات نرخ ارز قلمداد می کند. نور بخش در پایان جلسه علنی روز سه شنبه ۲ بهمن مجلس شورای اسلامی در پاسخ به پرسشی پیرامون افزایش قیمت ارز در سال آینده با صراحت می گوید: «

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

بیانیه مشترک احزاب کارگری - کمونیستی خاورمیانه و کشورهای منطقه مدیترانه

در همبستگی با کارگران مبارز صنعت نفت ایران

تظاهرات کارگران صنعت نفت ایران و نمایندگان آنان در مقابل وزارت نفت در تهران، در روز ۱۶ فوریه، مرحله ای جدید در مبارزه زحمتکشان ایران برای حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی شمرده می شود. این تظاهرات اوج یک دوره طولانی تدارک توسط کارگران بود. مطالبات کارگران شامل دستمزد بالاتر، شرایط کاری بهتر، طبقه بندی مشاغل مناسب و حق تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل بود. انجام این اقدام کارگری در ۱۸- مین سالگرد انقلاب ۱۹۷۹ علیه شاه، که در آن کارگران نفت نقشی حیاتی ایفاء کردند، به خودی خود پر معنی و مهم است. کارگران نفت همیشه نقشی کلیدی در تحولات عمده کشور بازی کرده اند.

- ما نگران وضع ۳۰۰ کارگر معترض هستیم که توسط نیروهای امنیتی دولت ایران دستگیر شده اند و مطابق اطلاع ما دو تن از کارگران معترض در حالی که در بازداشت پلیس بوده اند کشته شده اند.

• ما حمایت خود را از مبارزه زحمتکشان ایران برای ایجاد یک جامعه دموکراتیک، مدرن و عادلانه اعلام می داریم. • ما خواستار پایان شکنجه، دستگیری های خودسرانه و محکومیت های بدون حق دفاع هستیم. • ما خواستار برپیده شدن همه قوانین تبعیض گرانه ای که بر زندگی زنان و اقلیت های ملی و مذهبی تحمیل می شود، هستیم. ما خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی، احترام به حقوق بشر و بخصوص آزادی بیان و تشکل و حق کارگران به ایجاد اتحادیه های کارگری مستقل خود هستیم.

آتن ۳ فروردین ۱۳۷۶

اقدامات اعتراضی صلح آمیز دست بزنند».

• همچنین آقای جان مانکر، دبیر کل مرکز اتحادیه های کارگری انگلیس در نامه اعتراضی خود به سفیر جمهوری اسلامی ضمن اشاره به دستگیری کارگران معترض متذکر شد: «دولت شما برپایه عضویتش در سازمان جهانی کار متعهد به رعایت آزادی های سندیکایی است و سرکوب بی رحمانه زحمتکشان و نمایندگان آنان که برای دستیابی به حقوق حقه خود تلاش می کردند، نقض خشن میثاق های سازمان بین المللی کار در رابطه حق آزادی تجمع و تشکل است».

• در ادامه فعالیت های افشاگرانه کمیته دفاع از حقوق مردم ایران، در روز ۵ اسفند ماه، مرکز جهانی حقوق سندیکایی در نامه ای رسمی به رییس جمهور جمهوری اسلامی اعتراض خود را به سرکوب نفتگران معترض اعلام کرد: «از خبر دستگیری ۳۰۰ کارگر صنعت نفت که به حقوق پایین و شرایط کاری کمرشکن خود اعتراض می کردند شدیداً یکه خوردیم. عدم توانایی دولت شما در برخورد با زحمتکشان جز از طریق سرکوب و خشونت دولتی مساله ای همیشگی و شناخته شده است

و این امر با سرکوب حقوق سندیکایی کارگران ارتباط تنانگ دارد. ما از شما می خواهیم که از نفوذ خود بر روی دولت ایران به منظور خاتمه این اقدامات سرکوبگرانه استفاده نمایید و فوراً تمامی نفتگران معترض را آزاد کرده و از طریق مذاکره به شکوایه های آنان رسیدگی کنید. چنین اقداماتی نشان می دهد که دولت شما حقوق پایه ای انسانی و آزادی های کارگری را به رسمیت نمی شناسد. ما منتظر دریافت پاسخ شما هستیم و شرح این وقایع را در نشریه خود بنام «حقوق سندیکایی بین المللی» که انتشار جهانی دارد منعکس خواهیم کرد». دامنه اعتراضات بین المللی چنان وسعتی یافت که نمایندگان دیپلماتیک رژیم «ولایت فقیه» به تصور خود برای اعاده حیثیت اقدام به ارسال نامه هایی به تمامی اتحادیه های کارگری که از کارگران صنعت نفت حمایت کرده بودند، نمودند. در این نامه نمایندگان رژیم ضمن تایید خیر اقدامات اعتراضی کارگران پلایشگاه نفت تهران در رابطه با دستمزدهای پایین و خواست آنان مدعی گردیدند که بدنبال مذاکرات نمایندگان کارگران، اعتراض پایان یافته است. نامه نمایندگی دیپلماتیک رژیم مدعی شد که «بدنبال ارجاع خواست های حقه کارگران به ادارات مربوطه و توافق دو طرفه کارگران به سرکارهای خود بازگشته اند». نامه سفارت رژیم در انتها با بیشرمی از معترضین به سیاست های ضد کارگری خود می خواهد که به حقوق کارگری کارگران انگلیس بپردازند و خلاصه اینکه کاری به جنایات حضرات نداشته باشند.

• اعلام خیر کشته شدن دو تن از نفتگران معترض در جریان رخدادهای مقابل وزارت نفت رسماً دروغ منابع رژیم به خاتمه صلح آمیز و از طریق مذاکره اعتراضات کارگری را افشاء کرد. کمیته دفاع از حقوق مردم ایران در بیانیه مطبوعاتی مفصلی که در روز ۱۸ اسفند ماه منتشر کرد با اشاره به زمینه اقدامات سرکوبگرانه رژیم علیه کارگران معترض، ضمن افشاء توطئه رژیم برای سرپوش گذاشتن بر سیاست های سرکوبگرانه ای که در قبال کارگران معترض در پیش گرفته است گوشه هایی از اعتراضات وسیع محافل سندیکایی بین المللی را علیه اقدامات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی فاش کرد.

• روزنامه مورنینگ استار در شماره روز ۲۱ اسفند ماه در مقاله ای تحت عنوان «آزادی کارگران زندانی» ضمن توضیح زمینه اعتراضات کارگران صنعت نفت و اقدامات همبستگی از سوی جنبش سندیکایی بریتانیا متذکر شد که کمیته دفاع از حقوق مردم ایران - کودیر - خواستار آزادی کارگران زندانی و شناسایی رسمی حقوق کارگران به تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل شده است.

داشت که وضعیت حاضر تاکیدی دیگر بر ضرورت اتحاد همه نیروهای ترقی خواه علیه دیکتاتوری حاکم می باشد.

• همچنین در رابطه با فعالیت های همبستگی با مردم ایران، به ابتکار آقای جرمی کوربین از اعضای قدیمی دفاع از حقوق مردم ایران، که عضو سرشناس جناح ترقی خواه حزب کارگر در پارلمان انگلیس و معاون صدر کمیته حقوق بشر پارلمان است با حمایت دهها تن از اعضای جناح رادیکال حزب کارگر که در گروه «کارزار سوسیالیستی» متشکل هستند قطعنامه ای در حمایت از کارگران نفت ایران در پارلمان انگلیس مطرح شد. قطعنامه اعلام می کند: «این پارلمان از مبارزه جاری کارگران صنعت نفت ایران در طلب حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی حمایت می کند و عدم رعایت حقوق پایه ای کارگران برای تشکل، اعتصاب و در خواست قرارداد جمعی را توسط رژیم محکوم می کند. پارلمان با توجه به اینکه هزاران کارگر به جرم سازماندهی اعتصاب و اعتراض دستگیر، شکنجه و اعدام شده اند، از حمله خشونت آمیز باسداران رژیم به کارگران نظامی کننده پلایشگاه نفت تهران بشدت عصبانی شده و ضرب و شتم، دستگیری و بازداشت ۳۰۰ کارگر را در روز ۲۷ بهمن ماه محکوم می کند. پارلمان از دولت بریتانیا می خواهد که از دولت ایران خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران دستگیر شده گردیده و بطلد که حقوق اساسی تمامی کارگران ایران فوراً به رسمیت شناخته شود».

علاوه بر این فعالیت های افشاگرانه کمیته دفاع از حقوق مردم ایران باعث ارسال سدها نامه اعتراضی از سوی اتحادیه های کارگری و اعضای پارلمان به سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن گردید.

• در نامه اعتراضی خود به سفیر جمهوری اسلامی ایران در انگلیس، دبیر کل اتحادیه - UNI SON، که بزرگ ترین اتحادیه کارگری این کشور است، آقای رادنی بیکر استنفاظ اظهار داشت: «من این نامه را به نمایندگی از جانب ۱/۳ میلیون اعضای اتحادیه کارمندان بخش عمومی انگلیس می نویسم که نگرانی خود را از برخورد دولت ایران با کارگران نفت ابراز نماییم. کارگران نفت خواستار مذاکره در مورد حقوق نازل، تورم و شرایط کاری خود بودند ولی اقدام اعتراضی آنان منجر به دستگیری ۳۰۰ کارگر شده است. ما شما را فرا می خوانیم که بی هیچ قید و شرطی تمامی دستگیر شدگان را آزاد کنید. UNI SON معتقد است که کارگران نفت باید حق داشته باشند که خود را آزادانه در اتحادیه های کارگری متشکل نمایند و در حمایت از خواسته های خود به

سفارتخانه های رژیم در این کشورها سازمان دادند. گرچه بخشی از این فعالیت ها مستقیماً در چارچوب سازمان های حزب توده ایران در خارج از کشور سازمان داده شده بود، بخش عمده فعالیت های حامیان حزب در حمایت از کارگران صنعت نفت از مجرای ساختارهای دموکراتیک و همبستگی در کشورهای مختلف که اعضاء و هواداران حزب توده ایران نقش موثری در آنان ایفاء می کنند، صورت پذیرفت.

• انعکاس فعالیت های اعضاء و هواداران حزب توده ایران در انگلستان، دانمارک، بلژیک، سوئد و آلمان در مراجعه به ساختارهای سیاسی، اتحادیه های کارگری و نهادهای دموکراتیک و روزنامه ها و رسانه های عمومی اروپا سیل وسیعی از نامه های اعتراض آمیز از سوی این محافل به سفارتخانه های جمهوری اسلامی در این کشورها بود. در سطور زیر گوشه هایی از این فعالیت های دفاعی در حمایت از کارگران اعتصابی جهت اطلاع خوانندگان نامه مردم، منعکس می شود.

• در تاریخ ۳۰ بهمن بیانیه مطبوعاتی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران - کودیر - که متشکل از اتحادیه های کارگری بریتانیا و تعداد قابل توجهی از اعضای ترقی خواه پارلمان این کشور و اعضای انگلیسی پارلمان اروپا می باشد، احزاب سیاسی ترقی خواه و افکار عمومی انگلیس را به دفاع از کارگران اعتراضی صنعت نفت فراخواند. بیانیه ضمن توضیح زمینه های اقدام اعتراضی کارگران و پاسخ خشونت آمیز و سرکوبگرانه رژیم، از محافل دموکراتیک بریتانیا خواستار همصدا شدن با ترقی خواهان ایران و دیگر کشورها در کارزار برای آزادی بی قید و شرط کارگران دستگیر شده، شناسایی حقوق کارگران به ایجاد تشکل های کارگری مستقل و آزادی آنان برای انجام اقدامات اعتراضی شد.

این بیانیه در سطح وسیعی در میان اتحادیه های کارگری انگلیس و نیز اعضای پارلمان و مطبوعات این کشور تکثیر شد. بدنبال انتشار این بیانیه روزنامه مورنینگ استار، ارگان حزب کمونیست انگلستان، با انعکاس بخش هایی از این بیانیه و نیز اظهارات نماینده حزب توده ایران در مقاله ای تحت عنوان «دموکرات های ایرانی خواستار اعتراض شدند» در شماره اول اسفند ماه از خوانندگان خود خواست که نامه های اعتراضی خود را فوراً به سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن ارسال دارند. روزنامه مورنینگ استار در توضیح عاجل بودن وضعیت از قول نماینده حزب توده ایران نوشت: «اقدام اعتراضی کارگران صنعت نفت برای رژیم که در حال حاضر محافل گوناگون آن در جریان انتخاب ریاست جمهوری اختلاف نظر دارند، نگران کننده است». نماینده حزب اظهار

ادامه: بحران ژرف در صنعت نفت

آمریکا - قانون داماتو - در عدم تمایل شرکتهای خارجی در سرمایه گذاری بر روی پروژه های نفت و گاز ایران نقشی اساسی دارد.

چندی پیش، امپریالیسم آمریکا فهرستی از یازده طرح نفت و گاز ایران را که به سرمایه گذاری جدی و کلان احتیاج دارد منتشر کرد و تاکید نمود، شرکت شرکتهای خارجی در این پروژه ها، ممکن است به قیمت مجازات آنها از سوی آمریکا منجر شود. فهرست انتشار یافته از سوی آمریکا، بخش مهم و کلیدی طرحهای نفت و گاز را که برای میهن ما جنبه حیاتی و انکارناپذیر دارد، در برمی گیرد. این طرحهای یازده گانه عبارتند از: - طرح حوزه گاز پارس جنوبی - طرح توسعه نفتی درود - طرح گاز آرماک - طرح گاز سلیمان - پالایشگاه بندرعباس - طرح توسعه پالایشگاه شیراز، طرحهای گاز طبیعی ۱۲۰۰ و ۱۳۰۰ - طرح مایع کردن گاز در جزیره لاوان - طرح حوزه نفتی بلال و حوزه نفتی سروش.

محسن بحبوی در بخش دیگری از مصاحبه خود خاطر نشان ساخت که: «به علت نگهداری غیر فنی چاه های نفت و عدم سرمایه گذاری دولت، میزان تولید نفت ایران پایین آمده است. این واکنش رژیم پس از اعلام رسمی افت تولید نفت ایران از سوی اوپک صورت می گیرد. دبیر خانه سازمان کشورهای صادرکننده نفت - اوپک - در وین پایتخت اتریش، مدتی قبل بطور رسمی افت تولید نفت ایران را تایید و اعلام کرد. بر اساس اظهار نظرهای رسمی مسؤولان وزارت نفت جمهوری اسلامی، اکنون روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت صادر می کند.

آمار رسمی حاکی است که از سال ۱۹۹۴ میلادی کل تولید نفت ایران بین ۳/۵ تا ۳/۷۵ میلیون بشکه در روز نوسان داشته است. نشریه نفتی «میس» که نظرات محافل قدرتمند نفتی در جهان و انحصارات امپریالیستی را منعکس میکند، در مورد تولید و صادرات نفت ایران در گزارشی نوشت: «صادرات نفت ایران به جزه نفت فلات قاره در سال ۱۹۹۶ افت داشته است، از پایانه نفتی جزیره خارک روزانه ۲/۱۲ میلیون بشکه نفت صادر گردیده، حال آنکه در سال ۹۴-۱۹۹۵ میلادی از این پایانه نفتی به ترتیب ۲/۲۰ و ۲/۲۰ میلیون بشکه در روز نفت صادر می شد.

همین نشریه اضافه می کند که بیشتر چاه های نفت ایران به باز سازی، مدرن سازی و نگهداری دقیق به شیوه علمی نیاز دارند. ۹۰ درصد چاه های نفت قابل استحصال به تزریق گاز محتاج می باشند و در غیر این صورت بطور حتم تولید برخی از میدانهای نفتی ایران متوقف خواهد شد. در بین ماههای مهر - آبان سال ۱۳۷۵، دبیرخانه سازمان اوپک خبر از کاهش ناگهانی و چشمگیر تولید نفت ایران داد. صادرات نفت ایران در ماههای مهر - آبان سال ۱۳۷۵ روزانه ۳۶۷ هزار بشکه کمتر از ماههای قبل بود.

جنبه دیگری از بحران فزاینده در صنایع نفت و گاز، احتیاج مبرم پالایشگاههای کشور به تجهیزات مدرن و بطور کلی بازسازی اساسی است. آمار رسمی شرکت ملی نفت ایران حاکی است که ظرفیت پالایش نفت در پالایشگاههای سراسر کشور روزانه ۱/۲۴ میلیون بشکه می باشد. مدیر امور پالایش در شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد که: «پالایشگاههای کشور به بازسازی و سرمایه گذاری نیاز دارند. در حال حاضر پالایشگاههای ایران ۱۷ درصد بیشتر از ظرفیت اسمی خود تولید می کنند در زمینه پالایش و تولید فرآورده های نفتی با کمبود مواجه هستیم...»

بحران موجود به همین جا ختم نمی شود، صنعت پتروشیمی نیز بآورد شوری های بزرگ و از جمله عدم تامین اعتبارات مالی لازم روبرو است. احمد رهگذر معاون وزیر نفت و مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت: «کارخانه های پتروشیمی تبریز و اراک آماده بهره برداری می شوند که به سرمایه گذاری احتیاج است. بودجه سال ۱۳۷۶ تامین مالی خارجی ۱ میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلاری در نظر گرفته شده است که با اعطای این مجوز ۸۰ درصد توان ساخت ۱۲ طرح در دو مرحله اجرا خواهد شد، مساله مهم تامین مالی است که کمبود وجود دارد». مجتمع پتروشیمی بندر شاپور در خوزستان نیز با مشکل تامین مالی روبرو است. مدیر عامل این مجتمع استراتژیک در مصاحبه با نشریات داخلی یادآور شد: «در صورت تامین اعتبار طرح تولید پارالین به ظرفیت ۱۶۰ هزار تن، بنزین بدون سرب و غیره به اجراء می آید مساله برای ما، تامین مالی و دریافت اعتبارات است که جدی است...». عدم تامین اعتبارات لازم، سرمایه گذاری و بازسازی صنعت نفت، تأثیرات بسیار جدی برای حال و آینده میهن ما دارد. هم اکنون عملیات اکتشاف حوزه های جدید نفت و گاز که امری حیاتی و فوق العاده براهیمت محسوب می شود، بعلت عدم تامین مالی با مشکل روبرو است. روزنامه های مجاز رژیم از جمله روزنامه کیهان در روز ۳۰ بهمن اعلام داشتند، عملیات اکتشاف نفت در ۲ هزار نقطه کویر مرکزی آغاز شده است؛ این عملیات در حاشیه کویر مرکزی و در محدوده بخش زواره و نقاطی از اردستان است و وسعتی حدود ۵ هزار متر مربع را در برمی گیرد. حتی مسؤولان وزارت نفت نیز اعتراف میکنند این عملیات بعلت عدم توانائی مالی و همچنین عدم بکارگیری تکنولوژی مدرن در شرایط رضایتبخشی قرار ندارد. شرکت ملی حفاری ایران وابسته به وزارت نفت طی آمارهای اعلام کرده است که تا پایان سال ۱۳۷۴ خورشیدی، این شرکت فقط موفق به حفاری ۴۶۷ حلقه چاه جدید و تغییر و بازسازی کمتر از ۲۰۰ حلقه چاه موجود شده است. این در حالی است که کارشناسان اعلام می دارند، حفاری چاه های

جدید، تزریق گاز به جاهای موجود و قابل استحصال و باز سازی و نگهداری صنایع نفت، گاز و پتروشیمی می بایدرقمی بسیار فراتر از آمارهای اعلام شده را شامل گردد.

در کنار این بحران فزاینده کاهش قیمت نفت در بازار جهانی را باید افزود. علیرغم تبلیغات پرسروصدا از سوی مسؤولان رژیم مبنی بر افزایش درآمد ایران به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت، هم اکنون میانگین بهای انواع نفت اوپک کاهش پیدا کرده است. میانگین بهای نفت اوپک که از بهای ۷ نوع نفت خام این سازمان به دست می آید در اواخر دی ماه سال ۱۳۷۵ دچار تنزل قیمت شد. دبیرخانه اوپک روز ۴ شنبه، ۳ بهمن ماه رسماً اعلام کرد که بهای میانگین نفت اوپک به ۲۲ دلار و ۱۰ سنت کاهش یافته است.

این کاهش قیمت بسیاری از نقشه های رژیم ولایت فقیه را بر آب کرد. بحران کنونی که ابعاد بسیار جدی نیز به خود گرفته است با افزایش لحظه ای و گذرای قیمت نفت در بازار جهانی و نوسانات آن حل نمی شود. مشکل در عدم سرمایه گذاری لازم و عدم بکارگیری تکنولوژی مدرن نهفته است. نسخه رژیم ولایت فقیه برای حل این بحران، فرمانبرداری از انحصارات امپریالیستی و به مناقصه گذاردن حوزه های نفتی یا نازلترین قیمت است. بی جهت نیست شرکت فرانسوی توتال علیرغم تحریم ثانویه آمریکا، تمایل خود را به شرکت در پروژه حوزه گاز پارس جنوبی اعلام کرده است. حوزه پارس جنوبی از بهترین حوزه های گاز در خلیج فارس است، میزان ذخایر گاز در این حوزه نفتی متعلق به ایران ۳۰۰ تریلیون فوت مکعب پیش بینی شده که ارزشی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار دارد. حجم ذخایر این حوزه ۶۰۰ تریلیون فوت مکعب قابل افزایش می باشد. فشار و تحریم آمریکا به هیچ رو به دلیل به اصطلاح موضع ضد آمریکایی جمهوری اسلامی نیست. هدف آمریکائیان است رام کردن رژیم فقه و تأمین منافع خود، جمهوری اسلامی طی ماههای اخیر به خوبی نشان داده است حاضر است تن به خواست های امپریالیست ها بپردازد و منافع ملی ایران را فدای منافع ارتجاعی خود کند. همچنانکه تا امروز کرده است.

در چنین شرایط بحرانی است که ده ها هزار کارگر و کارمند صنایع نفت ایران، هر روز با دشواری های تازه ای روبرو می شوند. از یک سو عملکرد خفگان بار ارگان های سرکوبگر در صنایع نفت ایران، به دلیل حساسیت شدید آن برای رژیم، محیط و شرایط کاری را سخت دشوار کرده است و از سوی دیگر رژیم به بهانه های مختلف از پرداخت حقوق و مزایای کافی به کارکنان صنایع نفت ظفره می رود. در حالی که میزان متوسط تورم در سال های اخیر ۴۰٪ بوده است دستمزد کارگران و کارمندان به طور متوسط زیر میزان تورم افزایش یافته است که در واقع به مثابه کاهش درآمد واقعی آنها است. عدم توانایی بخش عمده ای از کارگران، و کارمندان شرکت نفت برای تأمین یک زندگی آبرومند برای خانواده خود، در کنار به رسمیت نشناختن حقوق صنفی کارگران و ادامه و تشدید جو سرکوب و اختناق از جمله علل عینی تنش ها و اعتراض های روبرو رشد کارگران در صنعت نفت کشور است. رژیم به خوبی از توان کارگران صنعت نفت ایران که نقش اساسی در به پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایفاء کردند آگاه است و از همین رو است که در هفته های اخیر با اعلام افزایش حقوق کارگران به میزان ۲۲/۸ درصد و اعلام معافیت های مالیاتی برای مازاد حقوق ها تلاش کرد تا اوضاع در پالایشگاه های کشور را آرام کند. ولی با توجه به شرایط اقتصادی - مالی رژیم و دورنمای تاریک آن در آینده نزدیک، دیری نخواهد پایید که بار دیگر صدای اعتراض کارگران پایه های رژیم را مجدداً به لرزه درآورد.

کوتاه سخن، معضل و گره کور بحران در صنعت نفت ایران با سیاست هایی که رژیم «ولایت فقیه» اتخاذ کرده و می کند حل نخواهد شد. تجربه سالهای پس از انقلاب نشان می دهد، رژیم «ولایت فقیه»، منابع سرشار نفت و گاز میهن ما را بدون در نظر گرفتن حقوق حقه مردم بویژه زحمتکشان ایران به بیغما می دهد. هیچ برنامه مدون، مشخص، و علمی و منطبق بر نیازهای حال و آینده ایران در جهت گسترش حفظ و نگهداری و برآوردی تولید، استخراج و صدور نفت و گاز این ثروت همگانی مردم ایران وجود ندارد. بین به یغما دادن منابع سرشار نفت و گاز با سرمایه گذاری معقول، اصولی و در راستای تامین منافع ملی و کسب تکنولوژی مدرن فاصله جدی وجود دارد. جمهوری اسلامی ثروت ملی را به نام جلب سرمایه گذاری خارجی در معرض چپاول انحصارات امپریالیستی قرار می دهد و آنچه برای رژیم اهمیت ندارد، حقوق مردم و سرنوشت و آینده ایران است. صنعت نفت ایران باید توانائی خود را حفظ کرده و افزایش دهد. در کنار برنامه ملی در جهت رشد اقتصادی و اجتماعی و پایه گذاری صنعت مدرن افزایش بنیه تولیدات صنعتی و کشاورزی ایران، صنایع نفت و گاز نیز می باید با بازسازی و مدرن سازی در سمت شکل گیری اقتصاد سالم گسترش یابد. اهمیت و نقش منطقه ای و جهانی میهن ما طی دهه های آینده علاوه بر رشد اقتصادی و تولید صنعتی نیرومند به میزان زیادی به گسترش و بازسازی صنعت نفت بستگی دارد. فراموش نکنیم ایران، نقطه اتصال و پیوند مرکز استراتژیک جهانی یعنی حوزه خلیج فارس با حوضه دریای خزر و آسیای میانه است. آنچه اهمیت ایران را تضمین و منافع ملی را تأمین می کند، اقتصاد نیرومند و بنیه و توانائی های مالی است و در این زمینه صنعت نفت و گاز ایران کماکان نقش کلیدی دارد.

گزارش هیأت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران به ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران (بخش دوم)

تحولات جهان در فاصله دو پلنوم

روند تحولات جهانی، از یک سو موبید نگرانی های جدی است که پلنوم های گذشته ما به آن اشاره کرده است و از سوی دیگر نشانگر نضج گیری و رشد حرکت هایی است که نوید بخش آینده ای با دورنمای روشن تر برای نیروهای ترقی خواه جهان است. خلاصه ای از این دوروند کلی را می توان در چارچوب های زیر خلاصه کرد:

۱- یورش فزاینده امپریالیسم برای تحمیل «نظم نوین جهانی» که در اشکال گوناگون فشارها و اعمال سیاست های بیش از پیش مداخله جویانه در امور کشورهای مستقل، تحمیل سیاست های مخرب اقتصادی - اجتماعی - ناهمخوان با نیازها و شرایط محلی این کشورها، تحمیل حکومت های ضد مردمی - دیکتاتوری و فاسد به قصد تأمین سیاست های امپریالیستی و دامن زدن به آتش جنگ های محلی و داخلی، تجلی می یابد. از نمونه های قابل توجه و بسیار ملموس چنین سیاست هایی را می توان در ادامه محاصره غیر انسانی و ظالمانه مردم و دولت انقلابی کوبا، به قصد به زانو در آوردن آن، دامن زدن به آتش جنگ در اروپا (از جمله برخورد های نظامی در یوگسلاوی سابق، تنش میان قبرس، ترکیه و یونان)، آسیا (ادامه جنگ و خونریزی در کامبوج و افغانستان)، خاورمیانه (اوج گیری برخوردها و تنش ها در مناطق اشغالی زیر کنترل دولت اسرائیل، تنش در منطقه خلیج فارس)، آفریقا (جنگ خونین و فاجعه کشتار انسانی در رواندا، زئیر، ادامه جنگ صحرا و جنگ در جنوب سودان) مشاهده کرد. نکته قابل توجه در این روند نقش روز افزونی است که امپریالیسم آمریکا، به عنوان رهبر «نظم نوین جهانی» برای خود قایل است و در نبود اردوگاه سوسیالیسم مصمم است تا خواست های خود را به خلق های جهان تحمیل کند. نمونه روشن چنین سیاستی تصمیم به برکناری دبیر کل سازمان ملل متحد بود که علی رغم تمایل اکثریت عظیم کشورهای عضو سازمان ملل انجام شد و بار دیگر ماهیت عملکرد ضد دموکراتیک هیأت حاکمه آمریکا را به نمایش گذاشت. گسترش پیمان تجاوز گر ناتو، خصوصاً به کشورهای اروپای شرقی به قصد ایجاد شرایطی برای غیر قابل بازگشت ساختن حرکت به سمت سرمایه داری در این کشورها از جمله بازتاب های خطرناک دیگر چنین سیاست هایی است.

۲- رشد و گسترش مبارزات توده ای و مقاومت روز افزون خلق ها در مقابل سرمایه داری جهانی و تلاش های آن برای تحمیل هژمونی خود به جهان. از نمونه های بارز این روند را می توان در بازگشت پیروزمندان کمونیست ها به صحنه مبارزه در روسیه، اوج گیری و رشد مبارزات کارگری در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، از جمله فرانسه، آمریکا، آلمان، ایتالیا و اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی در کشورهای در حال توسعه و عقب مانده مشاهده کرد. این دوروند در عین حال نشانگر تشدید مبارزه طبقاتی در سطح جهان و عدم موفقیت سرمایه داری جهانی برای تثبیت و تحمیل دایمی شرایط خود بر اکثریت انبوه توده های کار و زحمت و حفظ روابط غیر عادلانه و اسارت باری است که منشاء اساسی مشکلات کنونی جامعه بشری را تشکیل می دهد. بر اساس چنین درکی از تحولات عمومی جهان است که ما به بررسی برخی از مهمترین رویدادها در گوشه و کنار جهان می پردازیم.

الف: خاورمیانه - ادامه تنش و درگیری ها

خاورمیانه همچنان یکی از پرتنش ترین مراکز استراتژیک جهان است که به دلیل وجود منابع عظیم نفت و گاز در مرکز برنامه ریزی های امپریالیسم جهانی قرار دارد. مهمترین مسایل مورد بحث در این منطقه، ادامه تنش ها و اوج گیری درگیری ها در سرزمین های اشغالی، و ادامه بحران در خلیج فارس و کشورهای این منطقه است.

در سال گذشته در پی شکست حزب کارگر اسرائیل در انتخابات این کشور و روی کار آمدن دولت افراطی و دست راستی جدید به رهبری بنیامین نتانیاهو، روشن بود که روند مذاکرات میان دولت اسرائیل و مقامات فلسطینی مستقر در برخی از شهرهای کرانه غربی رود اردن با دشواری های جدیدی روبرو خواهد شد. دولت جدید بلافاصله پس از استقرار و علی رغم قرارداد امضاء شده میان طرفین، اجازه گسترش شهرک های یهودی نشین در مناطق فلسطینی را صادر کرد و در واقع بی اعتقادی کامل خود را به قراردادی که اسرائیل زیر نظارت دولت آمریکا به امضاء رسانده بود، اعلام نمود.

اتخاذ سیاست «مشأ آهتین» بستن برخی از شهرهای اشغالی بر روی کارگران فلسطینی، تشدید فشار بر روی دولت «خودمختار» فلسطینی به رهبری عرفات برای سرکوب مخالفان از جمله برنامه هایی بودند که با هدف تثبیت

موقعیت اسرائیل در منطقه و تحمیل روند «صلح» به شکلی که دولت اسرائیل خواهان آن است به اجراء گذاشته شدند. موفقیت این سیاست ها در عین حال به معنی قبول بی چون و چرای شرایط و پذیرش هژمونی دولت اسرائیل و باز گذاشتن دست آن برای اقدام ها بعدی بود. سکوت دولت آمریکا و سایر کشورهای غربی در مقابل سیاست های اتخاذ شده به بهانه «مبارزه با تروریسم» نیز نشان داد که سرمایه داری دارای منافع مشترکی در پیشبرد چنین برنامه هایی است و ادعاهای آن پیرامون دفاع از صلح و منافع خلق فلسطین تنها به منظور عوام فریبی در نزد افکار عمومی جهان می باشد.

در پی این رویدادها بود که کاسه صبر مردم فلسطین لبریز شد و اهالی کرانه غربی رود اردن و اراضی اشغالی علیه اشغالگران به پا خاستند و آتش مبارزه اوج تازه ای به خود گرفت. آغاز قیام، در سپتامبر سال ۹۶، که در پی گشودن تونلی در زیر یکی از اماکن مقدس اسلامی آغاز شد، سریعاً ابعاد وسیعی به خود گرفت و به شرکت نیروهای پلیس فلسطینی در دفاع از مردم فلسطین، که توسط سربازان اسرائیلی به گلوله بسته شده بودند، منجر شد. در زدوخوردهای خونینی که ده ها کشته و صد ها زخمی برجای گذاشت، بار دیگر چهره کرب و ضد انسانی سیاست نژاد پرستانه صهیونیست ها بر ملا شد و عکس العمل منفی وسیعی را در افکار عمومی جهان برانگیخت. نمایش شکنجه زندانیان فلسطینی توسط سربازان اسرائیلی و بربریت و خشونت که از سوی نیروهای امنیتی این کشور علیه جوانان، کودکان و حتی سالمندان فلسطینی اعمال شده و می شود، فشار زیادی را بر روی کشورهای امپریالیستی برای خاتمه دادن و آرام کردن شرایط وارد کرد. نگرانی دیگر آمریکا متشنج شدن اوضاع در کشورهای عربی وابسته و متزلزل شدن حکومت های ارتجاعی سعودی، مصر، اردن و سایر کشورهای عربی خلیج فارس بود که در مقابل تمامی این وحشیگری ها سکوت اختیار کرده بودند.

افزون بر این امپریالیست ها نگران بودند که این سیاست ها به تضعیف موقعیت عرفات به عنوان نیروی «میانه رو» فلسطین منجر شود و موجی نواز رادیکالیسم منطقه را فراگیرد. رادیکالیسمی که می توان اثرات آن را در نضج گیری مجدد جنبش صلحی نیرومند در درون خود اسرائیل نیز مشاهده کرد. بر این اساس بود که علی رغم موضع گیری غیر قابل انعطاف دولت جدید اسرائیل، نتانیاهو زیر فشار آمریکا و دولت های غربی ناچار به عقب نشینی از مواضع خود و قبول مذاکره پیرامون تخلیه سربازان اسرائیلی از شهر الخلیل شد که در آن تنها چند صد تن یهودی در مقابل بیش از سی هزار فلسطینی زندگی می کنند.

تجربه مبارزه مردم فلسطین در سال گذشته موبید این ارزیابی ما بود که از امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم نمی توان انتظار داشت که به روند صلحی پایدار و دموکراتیک بدون فشار و مبارزه تن در دهند. تنها با مبارزه وسیع توده ای و یکپارچه است که می توان ماشین عظیم نظامی و سرکوبگر دولت اسرائیل را متوقف ساخت و با بسیج افکار عمومی جهان، سرمایه داری را وادار به عقب نشینی کرد. این روند در آینده نیز همچنان ادامه خواهد یافت. جنبش توده ای و دموکراتیک مردم فلسطین در کوره مبارزه ای طولانی و خونبار آبدیده شده و از تجربه و نیروی انسانی غنی بهره مند است. بر این اساس ما خوشبین هستیم که علی رغم همه دشواری ها، پیچیدگی ها و ترفندهایی که ارتجاع و امپریالیسم علیه این جنبش به کار گرفته و می گیرند نیروهای مترقی و دموکراتیک فلسطینی خواهند توانست با درایت و هوشیاری مبارزه خلق فلسطین را به سمت آینده ای پیروزمند هدایت کنند.

رقا!

مسأله تشنج و تنش در خلیج فارس و کشورهای این منطقه از دیگر موضوع های مهم خاورمیانه در سال گذشته بوده است. تحولات در نواحی مرزی ایران، عراق و ترکیه؛ برخوردهای خونین میان نیروهای گرد با دخالت مستقیم و غیر مستقیم کشورهای ارتجاعی، در کنار ادامه سرکوب خونین خواست های برحق خلق کرد توسط این مثلث شوم ارتجاع و استبداد، از یک سو و ادامه حضور نظامی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و ادامه تشنج در این منطقه و تحریکات علیه جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، از جمله مسایل مهم دیگری است که می بایست مورد توجه قرار گیرند. ما در سال گذشته شاهد درگیری های فاجعه بار نیروهای گرد (حزب دموکرات کردستان عراق با حمایت دولت صدام و جبهه میهنی کردستان عراق با حمایت رژیم جمهوری اسلامی) در شمال عراق بودیم. این زدوخوردهای خونین نشان داد

ادامه در ص ۵

ادامه گزارش هیأت اجرایی ...

که چگونه دخالت های ارتجاع محلی و قدرت طلبی، و کوتاه بینی برخی از رهبران نیروهای ملی کرد، می تواند تمام موجودیت نواحی خودمختار کرد نشین در شمال عراق را با خطر جدی روبرو کند و راه را برای بازگشت نیروهای سرکوبگر به منطقه هموار سازد. ورود نیروهای امنیتی عراق به اربیل و سلیمانیه و بیگرد، دستگیری، شکنجه و اعدام جمعی از مبارزان کرد و عرب، از جمله تعدادی از رفقای حزب کمونیست عراق در این مناطق عمق فاجعه ارتجاع ساخته را به نمایش گذاشت. افزون بر این اکنون دیگر روشن شده است که دولت آمریکا به همکاری برخی نیروهای کرد (جبهه میهنی) و نیروهای عرب در درون کنگره ملی عراق (طرفداران احمد حلبی) اقدام به تأسیس پایگاه های اطلاعاتی و جمع آوری اطلاعات علیه کشورهای منطقه کرده بود. به همین علت بود که به هنگام یورش نیروهای بارزانی و صدام به این مناطق، سازمان سیا بیش از ۱۵۰۰ تن از ماموران خود را به ترکیه انتقال داد.

در تمامی این دوره سیاه سرکوب و قتل عام، کشورهای غربی که می بایست بر اساس قطعنامه سازمان ملل «امنیت» این مناطق را «تأمین» کنند با سکوت خود اجازه دادند تا کشتار نیروهای مترقی ادامه یابد و موضوع وحدت و ائتلاف نیروهای آزادی خواه منطقه به شکل جدی تضعیف گردد. در کنار این فاجعه ما سال گذشته شاهد دخالت مستقیم دولت ترکیه در کردستان عراق بودیم. تهاجم وسیع نیروهای نظامی ترکیه به خاک عراق و نفوذ این نیروها به عمق ۳۵ کیلومتری در درون خاک عراق، که بهانه پیگرد نیروهای «پ.ک.ک» با حمایت ضمنی کشورهای آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه، تهنی بودن ادعاهای این کشورها را در دفاع از منافع خلق کرد روشن کرد. رویدادهای سال گذشته بار دیگر تأکیدی بر این مسأله بود که حقوق خلق کرد در منطقه یکی از کلیدی ترین موضوع هایی است که حل آن در ارتباط تنگاتنگ با تحقق آزادی ها و حقوق دموکراتیک در کشورهای نامبرده قرار دارد.

تجربه عینی سال های اخیر اثبات کرده است که نمی توان از رژیم های ارتجاعی، که آزادی و حقوق دموکراتیک را در کشورشان به شدت سرکوب می کنند، انتظار داشت که در عین حال حق خودمختاری خلق کرد را به رسمیت بشناسند. بر این اساس است که ضرورت همکاری و پیشبرد مبارزه مشترک نیروهای ملی، در کنار سایر نیروهای مترقی و دموکراتیک این کشورها در راه پایان دادن به استبداد و دیکتاتوری به یکی از مهمترین وظایف نیروهای ملی و مترقی بدل می شود. در کشور ما رژیم جمهوری اسلامی همچنان سرکوب خلق کرد و نیروهای ملی و مترقی آن را از مهمترین وظایف خود می داند و در این راه از هیچ ترنند و جنایتی فروگذار نیست. مسأله دفاع از حقوق خلق کرد در میهن ما و مبارزه در راه تحقق این حقوق بخش جدایی ناپذیری از پیکار عمومی خلق برای پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» است که حزب توده ایران مانند سایر نیروهای مترقی و دموکراتیک در راه تحقق آن می رزمند.

تنش در خلیج فارس، همچنان یکی از مسایل کلیدی منطقه در سال گذشته بود و همچنان می باشد. ادامه حضور نظامی امپریالیسم و ایجاد پایگاه های دایمی نظامی در کویت و عربستان سعودی که در آن هزاران نیروی واکنش سریع آمریکا مستقر شده اند از اهمیت استراتژیک این مناطق به عنوان شاهراه عبور سوخت کشورهای غربی حکایت می کند.

این حضور عظیم نظامی امپریالیسم جهانی، تهدیدی جدی است علیه استقلال و حاکمیت ملی کشورها و خلق های منطقه که هرآن می تواند این منطقه حساس را مجدداً دچار آتش جنگ کند. سیاست امپریالیسم در این منطقه عمدتاً بر محور حفظ رژیم های ارتجاعی و وابسته ای مانند عربستان سعودی، کویت، بحرین و ... استوار است و هرگونه خطری برای این رژیم ها خطری است برای منافع امپریالیسم. در سال های اخیر، خصوصاً در پی پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، مسأله تأمین ثبات رژیم های ارتجاعی در خلیج فارس یکی از مهمترین مشغولیت های مراکز برنامه ریزی استراتژیک امپریالیسم بوده است. تحریک و آغاز جنگ ایران و عراق و سپس تحریک عراق برای حمله به کویت، از جمله برنامه هایی بوده است که این مراکز با موفقیت طرح ریزی و به اجراء در آورده اند. در پی اجرای موفقیت آمیز همین برنامه ها است که ناوگان عظیم آمریکا به همراه نیروهای هوایی و زمینی آن به شکل دایمی در عربستان و کویت مستقر شده اند، انحصارهای اسلحه سازی امپریالیستی علی رغم «پایان یافتن جنگ سرد» سالانه میلیاردها دلار اسلحه به این منطقه ارسال می کنند و خلق های محروم کشورهای منطقه، علی رغم دهه ها مبارزه پیگیر و خونین همچنان در چنگال رژیم های ارتجاعی و استبدادی اسیرند.

ب: آسیای مرکزی و میانه - عرصه ای جدید برای غارت و دخالت

امپریالیسم

در پی فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش جمهوری های مستقل در آسیای

میانه و مرکزی، که از منابع عظیم طبیعی بهره مند می باشند، این مناطق به عرصه جدیدی برای حضور، دخالت و چپاول امپریالیسم و انحصارهای سرمایه داری تبدیل شده است. مسأله کلیدی، مانند خلیج فارس، مسأله وجود نفت، گاز و ذخایر عظیمی از منابع ارزشمند طبیعی در این نواحی است.

ما در سال های اخیر شاهد گسترش روزافزون تشنج، درگیری های نظامی، جنگ داخلی و روی کار آمدن دولت های فاسد و ضد مردمی برای تأمین منافع کشورهای امپریالیستی در برخی از کشورهای این نواحی بوده ایم. جنگ خونین در چین که امکان عبور لوله نفتی دریای خزر از آن وجود دارد، استفاده موثر از برخورد های خونین میان آذربایجان و ارمنستان، برای کنترل اوضاع، ایجاد تشنج و درگیری های نظامی در تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و افغانستان از جمله رویدادهایی است که توجه به آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در کنار این حوادث، ما همچنین شاهد دخالت روزافزون قدرت های منطقه ای مانند ترکیه، ایران و پاکستان به قصد افزایش نفوذ و دست یابی به بازارهای جدید هستیم. بدیهی است که این مجموعه وسیع تحولات منفی و دخالت های آشکار ارتجاع محلی و امپریالیسم نگرانی های جدی نیروهای مترقی و خلق های ساکن منطقه را از سیر رویدادها تشدید کند.

بر اساس آخرین برآورد های کارشناسان نفتی میزان ذخایر حوزه دریای خزر حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه پیش بینی می شود که در صورت بهره برداری درست از آن می توان تغییرات عظیمی را در سطح و کیفیت زندگی توده های محروم، رشد و رفاهی این مناطق از عقب ماندگی به وجود آورد. در آخرین روزهای سال گذشته میلادی، خبرگزاری های جهان از شکل گیری یک کنسرسیوم بزرگ نفتی شامل تعدادی از عمده ترین انحصارهای نفتی جهان به منظور کشیدن خط لوله نفت دریای خزر از آذربایجان به قزاقستان و به دریای سیاه به طول ۱۴۴۰ کیلومتر، خبر دادند. برای درک ابعاد اقتصادی این برنامه ها کافی است اشاره شود که تنها کشیدن این لوله نفتی بر اساس برآورد های کارشناسان نفتی بیش از ۳/۵ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت و از این راه سود سرشاری نصیب انحصار ها خواهد گردید. به عبارت دیگر در حالی که مردم قزاقستان و آذربایجان در قبال چپاول منابع طبیعی کشورهايشان بهره ناییزی از این قراردادها نصیب شان می شود، انحصارهای امپریالیستی به سرکردگی انحصارهای آمریکایی میلیاردها دلار سود خواهند برد. بر اساس برآورد های کارشناسان اقتصادی، سود این شرکت ها در سی سال آینده صدها میلیارد دلار تخمین زده می شود و بر اساس ارزیابی برخی از کارشناسان نفتی توان حوضه های نفت و گاز منطقه دریای خزر را می توان با ذخایر نفتی آویک مقایسه کرد.

گسترش روز افزون حضور انحصارها و کشورهای امپریالیستی در عین حال وظایف دشوار و مهمی را برای نیروهای مترقی در این منطقه به همراه دارد. وظایفی که تحقق آنها نیازمند همکاری وسیع و هرچه گسترده تر برای بسیج افکار عمومی توده ها علیه این تهاجم وسیع امپریالیستی و امیال غارتگرانه آنها است. در این زمینه برگزاری نشست نمایندگان برخی از احزاب کارگری و کمونیستی منطقه در ترکیه، در ماه های گذشته، گام مثبتی در این راه است که حزب ما به گرمی از آن استقبال می کند.

از تحولات مهم دیگر این منطقه، مسأله پیروزی های مهم طالبان، نیروی ساخته و پرداخته سازمان امنیت پاکستان و امپریالیسم در جنگ داخلی افغانستان و تصرف شهر کابل به دست آنان بود. پیاده کردن حکومت اسلامی در نواحی زیر کنترل این نیروها، سرکوب وحشیانه مخالفان، از جمله قتل جمیع نجیب الله، رئیس جمهور سابق افغانستان، و برادرش شایبور احمد زری در کابل، در مقابل سکوت کامل کشورهای امپریالیستی و در هلهله تأیید آمیز دولت های مرتجع منطقه نشان داد که «مجاهدین افغانی» که سال ها با صرف میلیاردها دلار توسط امپریالیسم و ارتجاع محلی تعلیم دیده و پرورش یافته اند از چه قماش هستند و چه اهدافی را دنبال می کنند.

عکس العمل شدیداً منفی افکار عمومی کشورهای منطقه از جمله ایران، علیه جنایات طالبان در افغانستان، رژیم های ارتجاعی از جمله رژیم «ولایت فقیه» را بر آن نگران از بازتاب داخلی این جنایات، اعمال طالبان را محکوم و «ضد اسلامی» اعلام کنند. آنچه در میان این رویدادها جلب نظر می کند فاجعه انسانی - اجتماعی است که به اکثریت عظیم مردم افغانستان تحمیل شده است. تخریب ده ها شهر و روستا، نابودی ده ها هزار نفر و حکومت باند های جنایتکار «مجاهدین افغانی» در نواحی مختلف که هرکدام پول، اسلحه و مهمات خود را از یکی از رژیم های ارتجاعی منطقه دریافت می کنند، در مجموع چنان شرایطی را به وجود آورده است که هیچ چشم انداز روشنی در آینده نزدیک نمی توان برای این کشور انتظار داشت. شکست تلاش جمهوری اسلامی برای برگزاری «همایش صلح» در افغانستان و ادامه یورش نظامی طالبان به مناطق شمالی این کشور که در کنترل نیروهای ژنرال دوستم قرار دارد، نشانگر آن است که ارتجاع و متحدان خارجی آن مصمم اند تا هر سدی را، در مقابل استقرار

ادامه در ص ۶

ادامه گزارش هیأت اجرایی ...

کامل یک حکومت قرون وسطایی - استبدادی، از سر راه بردارند و بدین ترتیب روشن است که جنگ، خونریزی و کشتار مردم بی گناه و تخریب بیش از پیش افغانستان همچنان ادامه خواهد یافت. مردم افغانستان امروز به تجربه عینی دریافته اند که میان جنایات باندهای کنونی و دولت حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تلاش می کرد کشور را از عقب ماندگی برهاند، چه تفاوت های عظمی وجود دارد و چگونه با اتمام «جنگ سرد»، امروز حقوق مردم افغانستان کوچکترین ارزشی برای کشورهای غربی که سال ها مدعی دفاع حقوق انسانی آنان بودند، ندارد.

از مناسبات دیگری که اشاره به آن در اینجا ضرور است، تلاش نیروهای مترقی افغانستان برای بازسازی حزب دموکراتیک خلق و تشدید مبارزه و مقاومت نیروهای آزادی خواه در مقابل تهاجم ارتجاع قرون وسطایی است. ما همبستگی عمیق و رزمجویانه خود را با این مبارزه و تلاش ها اعلام می کنیم. بدیهی است که نیروهای مترقی در منطقه همه توان و امکانات خود را برای موفقیت جنین تلاش هایی به کار گیرند.

انتخابات هند و به قدرت رسیدن جبهه ملی این کشور، متشکل از نیروهای مترقی از تحولات بسیار مهم دیگر در آسیا بود که اشاره به آن لازم است. در پی این انتخابات دولت ائتلافی شامل سه وزیر کمونیست روی کار آمد که در تاریخ اخیر این کشور کم سابقه بوده است. اکنون هم حزب کمونیست هند و هم حزب کمونیست هند (مارکسیست) از دولت ائتلافی حمایت می کنند و در تعیین سیاست های دولت اعمال نظر می کنند.

نقد کشورهای سابق سوسیالیستی - استقرار سرمایه داری و مبارزه روز افزون توده ها

روند تحولات در کشورهای سابق سوسیالیستی، خصوصاً مقاومت روز افزون توده ها در مقابل تلاش های محافل وابسته به امپریالیسم برای استقرار کامل سرمایه داری، از جمله مهمترین تحولات جهان در سال گذشته بود. برگزاری انتخابات در روسیه و بازگشت پیروزمند کمونیست ها به عرصه مبارزه سیاسی کشور، یکی از آن تحولاتی بود که سران کشورهای امپریالیستی را شديداً به هراس افکند. بازسازی سریع حزب کمونیست روسیه، علی رغم ترفندها، توطئه ها، و یورش ها، نشان داد که آرمان های سوسیالیسم و حزب لنین در درون روسیه از جنان ریشه های عمیقی برخوردار است که نمی توان آن را نابود کرد. پنج سال پس از انحلال حزب کمونیست اتحاد شوروی و غیر قانونی شدن آن به دستور امپریالیسم، کمونیست ها نخست با تصاحب ۲۳/۵ درصد از آراء پارلمان این کشور (دوما) را به عنوان بزرگترین بلوک سیاسی تسخیر کردند و سپس در یک انتخابات نابرابر و پر از حيله و تلاش های شیبانه روزی رسانه های گروهی امپریالیستی و ایستگاه های رادیو تلویزیونی روسیه که در اختیار یلتسین و مشاوران آمریکایی او قرار داشت، توانستند ۴۰٪ از آراء را در انتخابات ریاست جمهوری از آن خود کنند. رسانه های امپریالیستی پنهان نکردند که برای انتخاب مجدد یلتسین صدها میلیون دلار هزینه مصرف شد و امپریالیسم از هر تاکتیکی از جمله تهدید برای به راه انداختن جنگ داخلی و همچنین معامله و جلب ژنرال لید که در دور نخست انتخابات ۱۵٪ از آراء را به خود اختصاص داده بود، به منظور شکست کمونیست ها استفاده کردند. انتصاب لید به عنوان مشاور عالی یلتسین در امنیت ملی درست قبل از برگزاری دور دوم انتخابات و سپس برکنار کردن او از این مقام پس از مدت کوتاهی، پس از انتخابات، نشانگر بخشی از توطئه ها و ترفندهای پیچیده ای بود که یلتسین و مشاوران امپریالیستی او برای پیروزی در انتخابات به کار گرفتند. اگرچه یلتسین توانست در انتخابات به پیروزی برسد، ولی این انتخابات در مجموع پیروزی بزرگی برای کمونیست ها و نیروهای مترقی این کشور محسوب می شود. انتخابات روسیه نشان داد که اکثریت مردم روسیه مخالف یلتسین و بازگشت سرمایه داری به این کشور هستند و آماده اند تا در راه بازسازی سوسیالیسم و دست آورد های آن یا به عرصه مبارزه گذارند. این تجربه در عین حال نشان داد که ایجاد یک ائتلاف وسیع از نیروهای ضد امپریالیست و ضد سرمایه داری بر سر یک برنامه مشترک و واحد تنها راه مقابله موثر با ماشین عظیم تبلیغاتی - اجرایی است که امپریالیسم و ارتجاع محلی در کنترل خود گرفته اند. در همین راستا است که تشکیل «جبهه ملی مهنی» میان طیف وسیعی از نیروهای مخالف یلتسین به ابتکار کمونیست ها و به رهبری زیوگانوف دبیرکل حزب کمونیست فدراتیو روسیه از تحولات مهم و مثبت ماه های اخیر در این کشور است.

روند کلی تحولات در سایر کشورهای اروپای شرقی نیز در عین تفاوت ها، ویژگی ها و بفرنجی ها، بر خواست های مشابهی از سوی اکثریت توده های زحمتکش و کارگران حکایت دارد. نکته دیگری که در ارزیابی تحولات دیگر کشورهای سوسیالیستی قابل توجه است، بحرانی است که نیروهای متمایل به

سوسیال دموکراسی با آن دست به گریبان می باشند. اوج گیری نارضایتی توده ها از عدم تحقق خواست های رادیکالشان که در چارچوب سیاست های سوسیال دموکراسی امکان پذیر نیست، این امکان را به نیروهای دست راستی داد تا با استفاده از این شرایط بتوانند با عوام فریبی و تبلیغات دروغ شرایط مناسبی را برای بازگشت خود ایجاد کنند. پیروزی نیروهای ضد کمونیست در رومانی و دشواری هایی که دولت کنونی بلغارستان با آن روبرو است، از جمله تحولاتی است که دلالت بر چنین پدیده های منفی می کند.

ت: جهان سرمایه داری: تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی و رشد روز افزون مبارزات و جنبش طبقه کارگر و زحمتکشان

سرمایه داری جهانی، در پی فروپاشی اتحاد شوروی و سوسیالیسم در دیگر کشورهای اروپای شرقی، قول بنا شدن «نظم نوین جهانی» را به مردم کشورهای خود و جهان داده بود. «نظمی» که به موجب آن افزون بر «صلح جهانی» به رهبری آمریکا، از جمله بحران اقتصادی - اجتماعی بتدریج از بین خواهد رفت و شرایط برای «رشد بی وقفه» و «انباشت ثروت» در جامعه فراهم خواهد آمد. پنج سال پس از این ادعاهای پوچ سیمای جهان و خصوصاً شرایط جهان سرمایه داری فرسنگ های بیشتر با این ترهات فاصله دارد. نه تنها صلحی به رهبری آمریکا در جهان تحقق نیافته است، بلکه حریق جنگ های داخلی و منطقه ای در گوشه و کنار جهان در ابعاد بی سابقه ای در پنجاه سال گذشته شعله ور است و هزاران انسان را طعمه خود کرده است. بحران سرمایه داری که قرار بود با پایان اتحاد شوروی و سوسیالیسم پایان یابد، نه تنها فروکش نکرده است، بلکه همه علائم از اوج گیری مجدد آن حکایت می کند. کشورهای پیشرفته سرمایه داری مانند آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و انگلیس در بحران های جدی اقتصادی، دست و پا می زنند و بیکاری، فقر و محرومیت در این کشورها روبه افزایش است. تعداد بیکاران آلمان از مرز ۴ میلیون یعنی بیش از ۱۰٪ نیروی کار کشور فراتر رفته است و رکود اقتصادی آنچنان شرایطی را در این کشور ایجاد کرده است، که به اعتراف وزیر اقتصاد آلمان، این کشور با دشواری بتواند پیش شرط های لازم اقتصادی برای ورود به بازار مالی مشترک اروپا تا پایان سال ۱۹۹۹ را عملی کند. بر اساس گزارش خیرگزاری ها تنها در ماه ژانویه ۵۰۰ هزار تن به بیکاران آلمان اضافه شده اند. افزون بر بحران ژرف و رو به گسترش اقتصادی، بحران اجتماعی نیز در این کشور در حال رشد و گسترش است. نابودی بخش بزرگی از صنایع و توان تولیدی بخش شرقی آلمان که به بیکاری میلیون ها شهروند آلمان شرقی منجر شده است، در واقع یک سیستم دوگانه اجتماعی در این کشور ایجاد کرده است. شهروندان درجه یک که در بخش غربی آلمان زندگی می کنند و از حقوق و امکانات رفاهی بهتری برخوردار هستند و شهروندان درجه دوم که در بخش شرقی آلمان در محرومیت روزافزون و بدون چشم انداز روشنی از آینده برای تأمین یک زندگی حداقل با دشواری بسیاری روبرو هستند. شهروندانی که در شرایط حکومت جمهوری دموکراتیک آلمان از سطح زندگی مرفهی در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی بهره مند بودند. در فرانسه نیز شرایط به همین وخامت است. بیش از ۱۲٪ از نیروی کار کشور بیکار است، رکود اقتصادی صنایع این کشور را فرا گرفته است و بحران های اجتماعی در ابعاد گوناگون از جمله رشد فاشیسم و نژاد پرستی به پدیده ای عادی در زندگی مردم فرانسه تبدیل شده است.

بر اساس آخرین برآوردهای کارشناسان اجتماعی تعداد بیکاران در ۱۲ کشور اروپایی عضو بازار مشترک از مرز ۲۰ میلیون فراتر رفته است و این اوضاع روبه وخامت است. در چنین شرایطی است که مقاومت توده ها و خصوصاً کارگران و زحمتکشان علیه سیاست های سرمایه داری انحصاری خصوصاً برنامه ایجاد «اروپای واحد» هر روز گسترش و ابعاد تازه ای می یابد.

در آمریکا نیز شرایط اقتصادی - اجتماعی علی رغم فراز و نشیب های نسبی عمدتاً روند بحرانی را طی می کند که در آن بیش از ۵٪ از نیروی کار بیکار است و بدهی دولت این کشور به بانک ها و موسسه های مالی به ارقام نجومی تریلیون ها دلار بالغ می شود. شرایط اقتصادی ژاپن نیز از دشواری های مشابهی حکایت می کند. سقوط عظیم بازار بورس توکیو در پایان سال ۱۹۹۶ و ادامه آن در آغاز سال ۱۹۹۷، که منجر به از بین رفتن صدها میلیارد دلار از ارزش سهام شرکت های ژاپنی شد، عمق بی ثباتی و بحران حاکم بر اقتصاد کشورهای پیشرفته سرمایه داری را نشان می دهد. نکته جالب توجه دیگر در جهان سرمایه داری بحران شدیدی است که اقتصاد کشور های خاور دور به آن دچار شده اند. «بهرای اقتصادی» سرمایه داری از کره جنوبی تا تایوان، سنگاپور، مالزی، اندونزی، و هنگ کنگ همگی در سال گذشته با دشواری های جدی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبرو بوده اند.

رفقا!

در کنار این بحران عمومی و فزاینده، ویژگی عمده سال گذشته را نه در ادامه و

ادامه گزارش هیأت اجرایی ...

تشدید این بحران، بلکه در رشد و حضور چشمگیر طبقه کارگر در عرصه مبارزه علیه سرمایه داری می بایست جستجو کرد.

• در آلمان همزمان با سالگرد اول ماه مه صد ها هزار کارگر در یک حرکت بی سابقه در بیش از ۶۰ شهر آلمان در اعتراض به سیاست کاهش بودجه تأمین اجتماعی و خدمات و همچنین کاهش دستمزدهای کارگران صنایع به حرکت درآمدند و توانستند دولت دست راستی آلمان را وادار به عقب نشینی کنند.

• در فرانسه جنبش کارگری، که سرمایه داری این کشور مدعی روند رکود و اضمحلال آن بود، در یک سلسله مبارزات پر شور و قهرمانانه علیه سیاست های دست راستی دولت آلن ژوین مبنی بر کاهش بودجه خدمات اجتماعی دست به اعتراض ها و اعتصاب های وسیعی زدند که سرمایه داری این کشور هراسان از عاقبت کار حاضر به مذاکره با اتحادیه های کارگری و عقب نشینی تاکتیکی از مواضع خود شد.

• در اسپانیا و پرتغال نیز جنبش کارگری به پیروزی های مهمی دست یافت و در یونان اعتصاب های کارگری - دهقانی دولت این کشور را وادار به عقب نشینی کرد.

• در ایتالیا، ائتلاف بزرگی از نیروهای چپ برای نخستین بار پس از پنجاه سال مواضع مهم قدرت سیاسی در کشور را از سلطه انحصاری نیروهای دست راستی خارج کند و ائتلاف پیروزمند «درخت زیتون» با تصاحب ۱۵۷ کرسی از ۳۱۵ کرسی پارلمان ایتالیا توانست برای نخستین بار دولت ائتلافی چپ در این کشور را، در اردیبهشت ماه سال گذشته، پایه گذاری کند. پیروزی بزرگ کمونیست های ایتالیا در این انتخابات و از جمله کسب ۱۲٪ از آراء کارگران و زحمتکشان در نواحی اومبریا و توسکانی و تصاحب ۳۵ کرسی پارلمانی، توسط حزب «احیای کمونیستی» نشانگر پیروزی بزرگی برای نیروهای مترقی در این کشور بود.

• در ایالات متحده آمریکا نیز پس از سال ها افت در جنبش سندیکایی کشور، در زیر تبلیغات خرد کننده و قطع ناشدنی امپریالیسم، جنبش سندیکایی و کارگری جان تازه ای یافت و به شکل نیرومندی به صحنه سیاسی این کشور بازگشت. به گفته مفسر روزنامه دست راستی واشنگتن پست: «دوران حکمفرمایی بی چون و چرای «کوربوراسیون های سرمایه داری» به سر آمده است و جنبش سندیکایی کشور باردیگر توان مقابله و مبارزه خود را باز یافته است».

• در کره جنوبی، اعتصاب های پرشکوه کارگری با شرکت صد ها هزار نفر و علی رغم سرکوب خشن آن توسط پلیس و نظامیان این کشور، در اعتراض به قانون کار ارتجاعی جدید، که به توصیه صندوق بین المللی پول برای از بین بردن «بند های دست و پا گیر» (به عبارت دیگر حقوق کارگران) تنظیم شده بود، آنچنان ابعاد عظیمی یافت که حتی انحصارها و شرکت های بزرگ سرمایه داری کشور، هراسان از عاقبت کار از دولت خواستند تا از مواضع غیر قابل انعطاف عدول کند و پیرامون خواست کارگران با آنان به مذاکره بنشیند.

• در اندونزی پس از دهه ها سرکوب خونین و کشتار کمونیست ها توسط رژیم جنایتکار سوهارتو، ما در سال گذشته شاهد یکی از بزرگترین جنبش های اعتراضی و کارگری این کشور بودیم. علی رغم سرکوب خونین این اعتراض ها و دستگیری و محاکمه رهبران جنبش کارگری این کشور از جمله مختار باکروان، جنبش دموکراتیک در اندونزی نشان داد که از توان و نیروی سازمان دهی قابل توجهی بهره مند است و دیر یا زود خواهد توانست به خواست های خود، از جمله پایان دادن به حکومت دیکتاتوری سوهارتو دست یابد.

ث: آفریقا - فاجعه انسانی ادامه دارد

تراژدی فقر، محرومیت، جنگ و گرسنگی، علی رغم منابع عظیم طبیعی همچنان در آفریقا ادامه دارد. ادامه جنگ و خونریزی در انگولا، فاجعه انسانی در رواندا و زئیر، ادامه جنگ داخلی در سومالی، جنگ و دیکتاتوری در سودان، تنش آفرینی در آفریقای جنوبی و ... بخشی از مجموعه حوادث مهمی است که در سال گذشته در آفریقا رخ داده است. مهمترین این حوادث، فاجعه انسانی در رواندا و زئیر است که در بی آن ده ها هزار انسان در اردوگاه های پناهندگان جان خود را از دست دادند. دخالت دولت های ارتجاعی از جمله دولت موبوتو با حمایت امپریالیسم فرانسه، در حمایت از سربازان رژیم سابق رواندا که صدها هزار انسان بی گناه در این کشور را قتل عام کرده بودند، از جمله علل اساسی بروز فاجعه در چنین ابعادی بود. امپریالیسم فرانسه که پس از سرنگون شدن رژیم سابق و وابسته رواندا از عاقبت کار رژیم فاسد موبوتو نیز در هراس بود تلاش کرد تا با استفاده از مزدوران رژیم گذشته رواندا جلوی پیروزی نیروهای «اتحاد دموکراتیک برای آزادی کنگو - زئیر» را سد کند و با گسترش دامنه جنگ شرایط را برای دخالت نظامی خود در منطقه آماده کند. نگهداری اجباری ده ها

هزار مهاجر رواندایی در خاک زئیر از جمله پوشش هایی بود که ارتجاع و امپریالیسم برای پیشبرد نقشه های خود به کار گرفتند که زیر فشار بین المللی و با بازگشت اکثریت پناهندگان رواندایی به کشورشان این نقشه ها عقیم ماند.

از مسایل مهم دیگر آفریقا، تحولات در آفریقای جنوبی است که در آن از یک سو نیروهای مترقی و پیشرو به رهبری کمونیست ها تلاش دارند تا روند تحولات و پیروزی های بدست آمده را تعمیق بخشند و از سوی دیگر نیروهای ارتجاعی و راست رو (چه نیروهای سفید پوست و چه نیروهای سیاه پوست) خواهان سد کردن این تحولات و سوق دادن جامعه به سمت برخورد های خونین هستند. ادامه زدوخوردها در ناحیه ناتال به دلیل تحریکات نیروهای ارتجاعی محلی به رهبری بوتلیزی از یک سو و اقدام های تحریک آمیز نیروهای دست راستی سفید پوست، از جمله بمب گذاری و تروریسم از سوی دیگر نشانگر شرایط دشوار و پیچیده ای است که نیروهای مترقی این کشور در آن بیکار می کنند. تصویب قانون جدید کار در آفریقای جنوبی در سال گذشته، علی رغم همه ضعف ها و کمبودهایش، به اعتقاد جنبش کارگری و کمونیستی این کشور گام مهمی به جلو و پیروزی ارزشمندی برای طبقه کارگر این کشور بود که دهه ها در نظام غیر انسانی آپارتاید از حقوق خود محروم بودند.

اتحاد، همبستگی و مبارزه - پاسخ نیروهای مترقی به «نظم نوین جهان»

رفقای گرامی

ما در اینجا تلاش کردیم تا چکیده ای از مهمترین رویدادهای جهان در فاصله میان دو پلنوم کمیته مرکزی را ارزیابی کنیم. ما در ابتدا برداشت خود را از روند کلی تحولات در جهان معاصر بیان کردیم و در اینجا لازم است تا مختصراً اشاره ای هم به وظایف نیروهای مترقی، از جمله حزب توده ایران در شرایط کنونی کنیم. امروز دیگر برای همه، حتی خوشبین ترین و پر سرو صدا ترین طرفداران «نظم نوین جهانی»، از جمله خود کشورهای امپریالیستی روشن است که بر خلاف تصور و تبلیغات کرکننده شان مبارزه طبقاتی در سطح جهان نه تنها متوقف نشده است، بلکه ابعاد آن روز به روز گسترده تر می شود. «نظم نوین جهانی» به «بی نظمی» قابل پیش بینی امپریالیستی منجر شده است که در آن رقابت و مبارزه برای تصاحب بازارهای جهان، تقسیم «غنایم» فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و ایجاد بلوک های اقتصادی - سیاسی به منظور رقابت در جنگل انحصارها اساسی ترین مشخصه بی «نظمی» کنونی را ترسیم می کند. برای امپریالیست ها هدف مانند گذشته تصاحب، چپاول و غارت منابع طبیعی ملل گوناگون است.

نگاهی مختصر به تاریخ جهان معاصر، مجموعه انکار ناپذیری از شواهد، دلایل و اسناد را پیرامون چنین سمت گیری به دست می دهد. آنچه که امروز متفاوت با «دیروز» است و می بایست مورد توجه نیروهای مترقی قرار گیرد، بهم خوردن موازنه قدرت در سطح جهان در نبود اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم می باشد. برخی از نیروها با اشاره به این واقعیت سیاست «مصالحه» و «سازش» با سرمایه داری جهانی و بوج بودن هر مبارزه ای را در مقابل این دستگاه عظیم و جهنمی به ما پیشنهاد می کنند. بدیهی است که پذیرش چنین سیاستی چیزی جز تسلیم و کرنش به ظلم، استبداد و بی عدالتی نیست و چنین مشی بی نمی تواند مورد قبول هیچ انسان مترقی و تحول طلبی در جهان باشد. بر خلاف این نظریه نیهیلیستی که مبارزه طبقاتی را پایان یافته و سرمایه داری را ازلی و ابدی می داند، ما معتقد به حرکت تاریخ و اهرم های پرتوان آن یعنی توده های کار و زحمت هستیم که تاریخ را به حرکت در می آورند و در روندی پویا و پر فراز و نشیب به سمت آینده ای متحول و انسانی سوق می دهند.

امروز، بیش از هر زمان دیگری ضرورت شکل گیری جبهه های وسیع همبستگی ضد امپریالیستی میان خلق های جهان در دستور کار نیروهای مترقی قرار گرفته است. مبارزه در راه دفاع از کوبای انقلابی علی رغم فشارهای خردکننده امپریالیسم جهانی، درخشان ترین تبلور این روند و مبارزه در سطح جهان است. امروز تلاش های جدی برای شکل دادن به چنین جبهه وسیعی در گوشه و کنار جهان، از جمله منطقه خاورمیانه در دستور کار نیروهای مترقی قرار گرفته است و نقش و تلاش کمونیست ها در این تلاش ها چشمگیر و ویژه است. ایجاد نطفه های چنین تشکل هایی در آمریکای مرکزی، اروپا، خاورمیانه و آسیا، نوید بخش آغاز روندی است که چشم انداز مبارزه آینده را روشن تر می کند.

کوتاه سخن، در شرایطی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تلاش می کند تا حلقه محاصره و فشار خود را علیه کشورهای مستقل و رشد یابنده تنگ تر کند و جلوی رشد روند های استقلال طلبانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را سد کند، هر روز صف ناراضیان این دیپلماسی خشن، غیر دموکراتیک و دیکتاتور نشانانه روبه افزایش است و در نتیجه نیروی بافعل عظیمی در جهان برای مقابله با این تهاجم در حال شکل گیری است. در چنین شرایطی است که نیروهای مترقی و پیشرو می توانند با اتحاد، همبستگی و تشدید مبارزه، با بسیج افکار عمومی جهان و گسترده کردن صفوف خود شرایط مناسب تری را برای بیکار و تحقق خواست های برحق کارگران، زحمتکشان و توده های محروم جهان ایجاد کنند.

ادامه نشست مهم احزاب ...

کمونیست ها و ترقی خواهان برای مقابله با ارتجاع بومی و توطئه های امپریالیستی و در دفاع از جنبش دموکراتیک کشورهای منطقه ایجاد کردند.

اجلاس با سخنرانی رفیق پاپاریگا، دبیر کل حزب کمونیست یونان آغاز شد. رهبر حزب برادر پس از خوش آمدگویی به هیات های نمایندگی شرکت کننده در سخنرانی مفصل و همه جانبه ای مشخصه های اصلی تحولات بین المللی در سال های اخیر را ترسیم کرد. رفیق پاپاریگا اظهار داشت: «تضادهای کشورهای امپریالیستی حادث می شوند و عرصه مانورها و کسب امتیاز در درون سیستم سرمایه داری که اکنون در مرحله پوسیدگی و طفیلی گری است، بسیار محدودتر شده است... خلق ها دیگر باره شروع به جستجوی چیز جدیدی کرده اند... قیام مردمی در آلبانی یک رخداد اتفاقی و فقط دارای اهمیت محلی نیست». طبق تحلیل رفیق پاپاریگا، تحولات اخیر «دو موضوع بسیار با اهمیت را که به نظر ما می بایست موضوع بحث احزاب کمونیست و کلا نیروهای ضد امپریالیستی و ترقی خواه باشد» در پیش روی ما قرار داده است: اول- پس از سال های ۹۱-۱۹۸۹- مکانیزم های مداخله متنوعی در شکل ساختارهای نظامی و پلیسی در درون کشورها تاسیس شدند، این مکانیزم ها در قالب نیروهای چند ملیتی و یا ساختارهای اقتصادی و سیاسی در ظاهر برای فراهم آوردن کمک اقتصادی و سیاسی ظاهر شدند. هدف اصلی این ساختارها رویارویی با جنبش های توده ای است که مستقیم و یا غیر مستقیم نظم جهانی امپریالیستی را به خطر می اندازند. هم آنها باید از قیام های اجتماعی جلوگیری کنند و ضد انقلاب را تشویق نمایند و به عبارت دیگر تحولات را به زیان خلق ها کنترل و هدایت کنند.

دوم: جنبش کارگری، احزاب کمونیست، نیروهای ضد امپریالیستی می بایست با درایت و دور بینی آمادگی داشته باشند، چرا که تحولات را نمی توان پیش بینی کرد و رخدادهای به ظاهر از هم مستقل می توانند به خشم عمومی مردم منجر شود... منطقه از نظر منافع قدرت های امپریالیستی، بویژه ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و انحصارات فراملی آنان، همان اهمیت استراتژیکی گذشته را دارد. ذخایر عمده انرژی آن، بخصوص نفت و گاز طبیعی، مساله مداخله مستقیم نیروهای امپریالیستی و همچنین رقابت سخت بین آنان را دامن می زند... در این دوره آنها سعی دارند با ایجاد چارچوبی برپایه نیروهای نظامی بیمان ناتو یک سیستم بین کشوری در منطقه بسازند که رخنه انحصارات را در این کشورها تسهیل کند. این امر شامل کنترل گذرگاه های بین المللی در دریای سیاه، دریای اژه، کانال سوئز و منطقه خلیج فارس است... کوشش های ایالات متحده و اسرائیل و رژیم های ارتجاعی عرب برای ارتقاء همکاری های اقتصادی منطقه ای تحت رهبری ایالات متحده بخشی از این طرح است. این کوشش به طریقی پیگیر در کنفرانس کارا بلانکا در

اکتبر ۱۹۹۴ که در آن سیاستمداران و صاحبان سرمایه از ۶۱ کشور شرکت کردند، در اجلاس های عمان در اکتبر ۱۹۹۵ و قاهره در نوامبر ۱۹۹۶ دنبال شد. قصد اصلی این است که یک محور دوم، پس از محور موجود در جنوب شرقی آسیا ایجاد نمایند که از دریای سیاه شروع می شود و به منطقه مدیترانه و خاورمیانه و شمال آفریقا ختم می شود». رفیق پاپاریگا در خاتمه سخنرانی خود حمایت حزب کمونیست یونان را از ایجاد مکانیزم های موثر همکاری مستقیم و نزدیک احزاب کمونیست کارگری منطقه اعلام کرد.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در اجلاس مزبور، در سخنرانی خود پس از تشکر از حزب کمونیست یونان بخاطر سازماندهی موفق این اجلاس و اعلام همبستگی حزب توده ایران با احزاب کمونیست و نیروهای ترقی خواه منطقه در مبارزه دشوار و حیاتی شان علیه امپریالیسم و صهیونیسم بخاطر صلح و عدالت اجتماعی اظهار داشت: «حزب ما بر این نظر است که اوضاع جهانی در کل و وضعیت در منطقه ما به ویژه در سال های اخیر دستخوش تغییرات جدی بوده است که باید اگر می خواهیم در مبارزه برای تغییرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جدی گرفته شویم یا حوصله مورد مطالعه قرار گیرد و با عزم و پایداری به آنان پاسخ داده شود». نماینده کمیته مرکزی آنگاه برپایه تحلیل مصوب پلنوم ششم کمیته مرکزی که اخیرا برگزار گردیده است، احزاب برادر را در جریان تحولات کشور و تحلیل حزب توده ایران قرار داد. در توضیح وضعیت جنبش کارگری میهنمان نماینده حزب توده ایران با اشاره به اعتصاب و اعتراض اخیر کارگران صنعت نفت، به اجلاس پیشنهاد صدور یک بیانیه مشترک در دفاع از کارگران صنعت نفت نمود. (این بیانیه در ادامه اجلاس تهیه و با رای یک پارچه همه احزاب شرکت کننده مورد حمایت قرار گرفت.)

در رابطه با اوضاع منطقه نماینده حزب توده ایران ضمن توجه دادن به شرایط بین المللی که منجر به روی کار آمدن افراطی ترین نیروهای صهیونیستی در اسرائیل شده، تحلیل حزب را در مورد مشخصه های جنبش خلق فلسطین برای کسب حقوق حقه خود و از جمله بازگرفتن سرزمین های اشغالی ارائه داد.

بخش بعدی سخنرانی نماینده حزب به بررسی نقش توسعه یابنده ترکیه - به مثابه یک عضو پیمان ناتو- و روابط گسترش یابنده این کشور و دولت اسرائیل اختصاص داشت. او متذکر شد که هماهنگی سیاست های ترکیه عضو ناتو و صهیونیسم حاکم در اسرائیل متوجه ایجاد یک محور پر قدرت نظامی، تکنولوژیک، اقتصادی در منطقه وسیعی است که از شمال آفریقا تا خلیج فارس را در برمی گیرد. «امپریالیسم در دوران «نظم نوین جهانی» از ترکیب اسرائیل و ترکیه ایجاد نوعی قدرت منطقه ای را در نظر دارد که ضمن فراهم آوردن شرایط لازم برای تضمین جریان نفت و گاز از منابع این منطقه و سرکوب هرگونه جنبش آزادیبخش و استقلال طلبانه، بازار کشورهای این منطقه را جهت چپاول انحصارات فراملی آماده کند.»

نماینده حزب ما در پایان سخنرانی خود به توضیح ضرورت توجه احزاب کارگری و کمونیست به حمایت

از فعالیت نهادهای دموکراتیک نظیر اتحادیه های کارگری در کشورهای منطقه پرداخت و با اشاره به یک گزارش اخیر کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری مستقل که خاطر نشان می سازد: «بخش عمده خاورمیانه منطقه ممنوعه برای اتحادیه های کارگری مستقل است» روی اهمیت ویژه نقش اتحادیه های کارگری و سازمان های توده ای- مردمی در تحولات منطقه انگشت گذاشت. او تاکید کرد: «این ساختارها می توانند در یاری رساندن به مبارزه برای تغییرات دموکراتیک نقش کلیدی بازی کنند. ولی متأسفانه نقش اتحادیه های کارگری در منطقه ما خیلی محدود است.»

بخش بعدی اجلاس اختصاص به بحث در مورد اقدامات عملی مشخص برای ایجاد مکانیزم های تبادل اطلاعات بین احزاب کمونیست منطقه و نیز گسترش فعالیت های همبستگی داشت. نماینده حزب توده ایران با ارائه یک جمع بندی مشخص در مورد تجربیات موجود در این زمینه و نکات قوت و ضعف این تجربیات، خواستار قدم های عملی جهت ایجاد یک مرکز اطلاعاتی برای استفاده احزاب کمونیستی و کارگری در منطقه، پایه گذاری یک بولتن اطلاعاتی احزاب منطقه و نیز استفاده از پست الکترونیک و اینترنت برای تبادل نظرات سیاسی و تئوریک بین احزاب گردید. اجلاس همچنین تصمیم گرفت که نشست احزاب منطقه بطور منظم و با برنامه مشخص در آینده انجام گیرد. به پیشنهاد نماینده حزب توده ایران و حمایت دیگر احزاب حاضر، «مدل راه رشد کشورهای در حال توسعه» به عنوان موضوع بحث اجلاس آینده احزاب کمونیست منطقه در نظر گرفته خواهد شد.

در خاتمه اجلاس یک بیانیه مطبوعاتی همه جانبه در ۱۱ بند که در بردارنده جمع بندی نقطه نظرات مشترک احزاب شرکت کننده در قبال تحولات بین المللی و منطقه و کشورهای گوناگون بود به اتفاق آراء تصویب گردید. یکی از بندهای اصلی این بیانیه در رابطه با مبارزات مردم ایران مطرح می کند: «احزاب شرکت کننده همبستگی خود را با خلق های ایران، عراق، بحرین و سودان در مبارزه شان علیه رژیم های دیکتاتوری و در طلب آزادی های دموکراتیک و حقوق بشر اعلام می دارند. آنان همچنین همبستگی خود را با تمامی نیروهای دموکراتیک و توده ای در کشورهای منطقه در مبارزه شان برای آزادی های مدنی، سندیکایی و دموکراتیک اعلام می دارند. آنها از مبارزات نیروهای کارگری و کمونیست در این رابطه حمایت می کنند. آنها از مبارزه برحق مردم کردستان حمایت می کنند.»

سپاس

به مناسبت فرا رسیدن نوروز و سال نو پیام های متعددی از سوی اعضا، هواداران، دوستان و واحدهای حزبی به دفتر «نامه مردم» رسید. با تشکر از همه کسانی که برای حزب پیام تبریک فرستادند مجدداً فرارسیدن سال نو را به همه رفقای حزبی، هواداران و دوستان حزب تبریک می گویم و برای مردم و میهن مان پیروزی در نبرد علیه استبداد آرزومندیم.

8 April 1997

شماره فاکس و تلفن پیام گیر ما

۳۴۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:503

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>